

## نگاهی به کتاب

# مأدۀ سماویہ و چند رسالہ دیگر

مأدۀ سماویہ  
و چند رسالہ دیگر

بیت  
آقا رضی خوانساری

● دکتر محمد حسین بیات

این کتاب با یک پیشگفتار از مصحح و متن چهار رسالہ با فہرستہا، در ۴۲۴ صفحہ نوشتہ شدہ است. در پیشگفتار مصحح محترم، نخست خانوادہ خوانساری یعنی آقا حسین و دو فرزند وی را، معرفی می کند سپس بہ بیان و معرفی آثار آقا رضی می پردازد. چکیدہ سخنان وی بہ شرح زیر است: آقا حسین خوانساری متوفای سال ۱۰۹۹ یکی از بزرگترین عالمان و فقیہان سدہ یازدہم عالم تشیع است کہ وی لقب «استاد الكل فی الكل عند الكل» گرفت. این عالم الہی بزرگ آثار ارزشمندی در فنون گونه گون علوم اسلامی دارد کہ شرح دروس شہید اول و بیش از ده رسالہ در علوم عدیدہ از آن جملہ اند.

آقا حسین خوانساری دو فرزند دانشمند از خود بہ یادگار گذاشت کہ ہر دو از مفاخر شیعہ ہستند. یکی آقا جمال خوانساری متوفای سال ۱۱۲۲. وی چونان پدر بزرگوارش، از فقہا و علمای بزرگ سدہ یازدہم و دوازدہم است. وی را تالیفات بسیاری است کہ از جملہ تالیفات چاپ شدہ ایشان اقلام زیر است:

- ۱- حاشیہ بر شرح لمعہ شہید ثانی کہ یکی از بہترین حاشیہ ہا بر این کتاب است.
- ۲- شرح کلمات قصار حضرت امیر (ع) در ہفت مجلد
- ۳- حاشیہ شفاکہ توسط کنگرہ بزرگداشت آقا حسین خوانساری، بچاپ رسید.
- ۴- حاشیہ بر حاشیہ خفزی بر شرح تجرید قوشچی
- ۵- مناظرات ترجمہ کتاب الفصول المختارہ سید مرتضی.
- ۶- مزار، رسالہ ای است بہ عنوان زیارت نامہ حضرت رضا (ع).
- ۷- پانزدہ رسالہ دیگر کہ توسط کنگرہ آقا حسین خوانساری چاپ شد. اما فرزند کہتر آقا حسین، آقا رضی خوانساری است. محقق اردبیلی در جامع الرواہ می گوید: رضی الدین محمد بن حسین خوانساری، جلیل القدر، عظیم المنزلہ، رفیع الشان، دقیق الطبع، کثیر الحفظ، فاضل متبحر و عالم بہ علوم عقلی و نقلی است». محدث قمی در کتاب الفوائد الرضویہ می فرماید: «عالم فاضل کامل جامع معقول

■ مأدہ سماویہ و

■ چند رسالہ دیگر

■ آقا رضی خوانساری

■ مصحح: آیہ اللہ رضا استادی.

■ علی اکبر زمانی

■ ناشر: کنگرہ آقا حسین خوانساری

■ چاپ اول، ۱۳۷۸.

و منقول که او و برادر مهترش آقا جمال در دامان علم متولد و در سایه کمال رشد یافتند و نزد پدر خود آقا حسین و دانی خود محقق سبزواری تلمذ کردند و بلغا ما بلغا... طبق گفته مؤلف ریاض العلماء، وی به سال ۱۱۱۳ وفات یافت. بنابراین عمرش کوتاه بود و بیشتر از برادر مهتر خود دار فانی را وداع گفت. مهمترین تالیفات وی به شرح زیر است:

- ۱- حاشیه بر شرح لمعه
- ۲- حاشیه بر شرح حکمه العین
- ۳- حاشیه بر حاشیه خفزی بر الهیات شرح تجرید قوشچی
- ۴- ترجمه نهج الحق علامه حلی
- ۵- شرح دروس شهید اول - شرح دروس پدرش ناقص بود که آن را تکمیل نمود.
- ۶- مائده سماویه
- ۷- آداب الصلواة
- ۸- شرح حدیث بیضه
- ۹- نیت صادقه.

چهار رساله اخیر در همین مجموعه مائده سماویه و چند رساله دیگر به چاپ رسیده است.

مصحح، بعد از معرفی اجمالی خاندان خوانساری به معرفی نسبتاً تفصیلی این چهار رساله پرداخته و چنین گفته است:

« الف ) رساله نیت صادقه - استناد این رساله به مؤلف جای تردید ندارد، چون مؤلف در مقدمه آن نام خود را ذکر کرده است. این رساله در دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی - سال ۱۱۰۵ - به درخواست وی نگاشته شده است. از این رساله فقط یک نسخه شناسایی شده است.

ب) رساله شرح حدیث بیضه. استناد این رساله به آقا رضی در دیباچه آن ذکر شده است. همچنین آقارضی در رساله آداب الصلاه خود به این رساله ارجاع داده است. تاریخ اشتغال به تالیف آن در اثنای رساله، سال ۱۱۰۸ یاد شده و در پایان تاریخ ۱۱۰۹ ذکر گردیده است. از این رساله نیز فقط یک نسخه شناسایی شده و در دسترس می باشد. متأسفانه مقداری از آغاز دیباچه و از وسط آن نیز یک برگ گویا افتاده است.

ج) رساله آداب الصلاه - استناد این رساله به مؤلف نیز جای تردید نیست. چه مؤلف نام خود را در مقدمه آن یاد کرده است. همچنین در اثنای رساله به دو رساله دیگر خود یعنی حدیث بیضه و رساله نیت صادقه، ارجاع داده است. از این رساله دو نسخه شناسایی شده است.

د) رساله مائده سماویه. این رساله معروفترین اثر آقا رضی خوانساری است که در دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی تالیف شده است. بنابراین تاریخ تالیف آن سال ۱۱۰۵ یا قبل از آن باید باشد. از این کتاب، چهار نسخه در کتابخانه‌های معتبر موجود است. آستان قدس رضوی، کتابخانه آیه الله مرعشی، کتابخانه آیه الله گلپایگانی و نسخه حاج سید محمدعلی روضاتی. مصحح، بعد از معرفی



چهار رساله فوق الذکر می فرماید: « از تالیفات آقارضی خوانساری غیر از شرح دروس و این چهار رساله فارسی، بقیه موجود نیست و یاما از آنها بی اطلاع هستیم. آقارضی در هر چهار رساله از شاهان صفوی نام برده که مائده سماویه در زمان شاه سلیمان و بقیه در زمان شاه سلطان حسین صفوی نگاشته شده است. اینک بعد از گزارش و بررسی مقدمه مصحح، به معرفی محتوایی این رساله‌ها بنحو اختصار می پردازیم:

۱- «رساله مائده سماویه» این رساله دارای یک دیباچه و یک مقدمه و متن است که از صفحه ۱۷ تا ۳۱۰ کتاب را به خود اختصاص داده است. حدود ۲۹۳ صفحه. دیباچه بسیار کوتاه است و با نثر مصنوع فارسی همراه با واژگان تازی نگارش یافته است. مؤلف در این دیباچه، سخن خود را با حمد و ثنای خدای یکتا و مدح و ستایش حضرت محمد مصطفی (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت، آغاز نموده است. سپس به موقعیت اطعمه و اشربه در فقه اشارت کرده و گفته است: «سالکان شرایع الاسلام و طالبان معالم قواعد الاحکام را... ایضاح و ضوح این مقال دلیل طریق

شناسائی است که در میان دروس فقهیه باب مبسوط اطعمه و اشربه زیاده از سایر ابواب در کار و به اعتبار عموم بلوی خصوص احکام متعلقه به آن سابع سته ضروریه در شمار است...». وی، بعد از بیان ضروری بودن اطعمه و اشربه به جهت عموم بلوی بودنشان، می گوید: «با این حال، علمای اعلام شیعه در این باب کتابی به زبان فارسی ننوشته‌اند، بدین جهت این بنده، محمدرضی بن حسین خوانساری با استفاده از احادیث اصول اربعه و کتب فروع فقهی اخیر، این رساله موسوم به «مائده سماویه» را به رشته تحریر کشاند. امید که کافه انام از فوائد مائده مبسوطه صفحاتش بهره مند شوند». آنگاه، با مدح سلطان سلیمان صفوی، دیباچه را به پایان آورده است.

مقدمه: مقدمه مؤلف، نسبتاً مفصل است. حدود هشت صفحه. وی در این مقدمه، نخست مسلمانان را به فراگیری مسائل فقهی به ویژه آنچه به اطعمه و اشربه مربوط می شود، توصیه فرموده است. آنگاه، مطالب خود را در این باب به آیات و احادیث استناد داده و چنین گفته است: «پس بدانکه

آنچه را شارع مقدس بخصوص مباح یا محظور ساخته از طریق نصوص علم‌پدیان حاصل می‌شود و در این رساله به ذکر آنها پرداخته شده است. اما آنچه در شرع انور بخصوصه ذکر نگردیده، اصل در آن اباحه باشد تا حرمتش از طریق شرعی به اثبات رسد. بدانسان که امام به حق ناطق جعفر بن محمد صادق (ع) در این باب فرموده: کل شیء مطلق حتی برد فیه نهی. یعنی: هر چیز حلال و خالی از مؤخذه و وبالست تا در آن باب نهی و منعی از جانب شارع وارد شود. مؤلف علامه بعد از بیان این نکته که طبق اصل اولی در باب اطعمه و اشربه، حلیت است، مگر آنکه دلیل شرعی بر حرمت چیزی به دست آید، به بیان موارد حرمت پرداخته و گفته است:

«اما جهت حرمت گاهی از راه ضرر رسانیدن به بدن ظاهر می‌شود چه به حکم عقل و نقل، حفظ جان واجب و القای نفس به هلاکت حرام باشد. پس خوردن چیزی که سبب هلاک نفس یا ضرر به بدن باشد جایز نباشد. حرمت چیزی گاهی به سبب خبائث و تنفر طبايع عامه ناس از چیزی، ظاهر می‌گردد که کریمه «و یحرم علیهم الخبائث» ظهور در حرمت خبائث دارد». البته مؤلف در مورد این آیه و مانند آن بحثهای مفصل کرده و اقوال بسیاری از اهل تفسیر و فقها را آورده که جهت رعایت اختصار در این نوشتار از ذکر آنها احتراز جستیم.

**متن رساله** - متن این رساله مشتمل بر پنج فصل و یک خاتمه است. مطالب این رساله فقهی در جای خود کم نظیر است که به فرموده خود مؤلف بزرگوار تا آن زمان نظیر آن برای شیعیان به رشته تحریر کشیده نشده است. شیوه این عالم بزرگ و فقیه سترگ چونان سبک و شیوه سایر علما و مجتهدان بزرگوار شیعه، بیان مساله فقهی با استناد به آیات، احادیث، شهرت، عمل اصحاب و مانند آنست. به دگر بیان می‌توان گفت که این رساله فارسی در عداد کتب فقهی استدلالی است. مسائل و موضوعات بسیاری در این رساله مورد بحث واقع شده که خلاصه عناوین آنها به قرار زیرین است: **فصل اول**، در ذکر حیوانات است که شامل شش بحث است: بحث اول: در ذکر حیوانات حلال گوشت. بحث دوم: ذکر عوارض حرمت. بحث سوم: ذکر چیزهایی که از ذبیحه حرامست. بحث چهارم: ذکر حیوانات بریه غیر پرنده مجرمه. بحث پنجم: ذکر حیوانات غیر پرنده بحریه. بحث ششم: در ذکر حیوانات پرنده.

**فصل دوم**، در ذکر غیر حیوانات از ماکولات و مشروبات. این فصل شامل پنج بحث است: این فصل شامل پنج بحث است: مسکرات، عصیر عنبی، اعیان بخسه، سموم و طین.

**فصل سوم**، در بیان احکام مضطران به اکل محرّماتست. این فصل مشتمل بر چهار بحث است: بحث اول: در تفسیر مضطر. بحث دوم: در استثنای باغی و عادی از این حکم. بحث سوم: در ذکر اضطرار به طعام غیر. بحث چهارم: در بیان حکم آنکه مضطر میتة و طعام غیر را یابد.

**فصل چهارم**، در ذکر آداب تناول طعام و آشامیدن شرابست. این فصل شامل دوازده بحث است: بحث اول: شستن هر دو دست پیش از طعام. دوم: شستن دستها بعد از طعام. سوم: پاک کردن دستها بادستمال بعد از شستن. چهارم: گفتن بسم الله هنگام شروع. پنجم: گفتن تسمیه بر هر لونی از طعام هنگام شروع. ششم: ادای حمد سپاس خدا بعد از فراغ. هفتم: خوردن طعام بدست راست. هشتم: ابتدا کردن صاحب طعام. نهم: دست کشیدن صاحب طعام بعد از دیگران. دهم: ابتدا کردن صاحب طعام به شستن دستها. یازدهم: جمع کردن غساله در ظرف واحد.

**دوازدهم**: خوابیدن بر پشت بعد از طعام. در این فصل بعد از بیان این دوازده بحث به بیان دو بحث دیگر تحت عنوان فروع (دوازده فرع) و آداب آشامیدن نیز پرداخته است.

**فصل پنجم**، این فصل در ذکر فضیلت بعضی از مطعومات و حیویات و سبزیجاتست. در حقیقت شبیه کتابهای طب قدیم است که مؤلف آن را در فقه آورده و از طریق اخبار و آیات فواید حدود چهل و چهار نوع از خوردنی‌ها را بر شمرده است.

و خاتمه کتاب. مؤلف در خاتمه این رساله به ذکر احکام اوانی و ظروف پرداخته است. این خاتمه مشتمل بر شش قسم می‌باشد. قسم اول: ظرفی که از طلا یا نقره باشد. قسم دوم: ظرفی که مفضض باشد. قسم سوم: ظرفی که از لعل یا زرد و مانند آن باشد. قسم چهارم: ظرفی که از استخوان باشد. قسم پنجم: ظرفی که از پوست باشد. قسم ششم: ظرفی که از اشیاء یاد شده نباشد.

اینک، بعد از بیان عنوانهای مطالب رساله، از هر بخشی نمونه‌ای ذکر می‌کنیم تا خوانندگان، استادان، پژوهشگران با نحوه سخن مؤلف علامه و شیوه استدلال فقهی این عالم فرزانه آشنا شوند. مؤلف در فصل نخست رساله که بحث حیوانات حلال گوشت را به میان آورده در بخشی از آن چنین فرموده است:

«بدانکه حلالست بالاصاله از حیوانات بریه غیر وحشیه، گوسفند، شتر و گاو. هر صنفی از اینها که باشد، خواه نر و ماده خواه بزرگ و کوچک. داخل در نوع گوسفند است [مانند] بز؛ و از نوع گاو است گاومیش. و مساویند ذکور و اناث در این حلیت. اما گاه عارض می‌شود اینها را حرمت به اسبابی چند که بعد از این مذکور خواهد شد. اما دلیل حلیت، پس اصل و اتفاق اهل اسلام تمام بر حلیت آنهاست. و در کلام ملک علام در سوره مبارکه مائده وارد شده «أحلت لکم بهیمه الأنعام الا ما یتلی علیکم» یعنی: والله یعلم. حلال گردانیده شده است از برای شما حلال کرده خالق آمر و ناهی بر شما. و خطاب به مؤمنین است چه ایشانند شایسته خطاب و منتفع به احکام رب الارباب - بهیمه از انعام، اضافه بیانیه است و بهیمه بمعنی چارپاست. و بعضی گفته‌اند: حیواناتیست که تمیزی نداشته باشد. پس هر حیوان غیر انسانی را بهیمه توان گفت. و انعام حیوانات چرنده را گویند و مراد هشت زوج نر

و ماده میش و شتر و بز و گاو است که در سوره انعام تفصیل یافته در کریمه (ثم انیه ازواج من الضان اثنین و من المعز اثنین) الی آخر الایه. در این عبارات مؤلف، چگونگی بیان وی در یک مساله فقهی مشاهده می‌شود. از حیث ادبیات، روان نیست و مراعات قواعد نحوی نشده چه جمله بندی‌ها بیشتر سبک زبان عربی دارد تا فارسی. لیکن استدلال فقهی ایشان چونان سایر فقهای بزرگ است. نخست، مساله حلیت برخی از حیوانات را عنوان نموده آنگاه، به ادله مساله پرداخته و گفته: «دلیل حلیت اصل و اتفاق اهل اسلام است». این اصل، همان اصاله الحل است و اتفاق اهل اسلام گویی نوعی اجتماع و عمل اصحاب است چه همه در آن متفق القول هستند. سپس به آیه قرآن استناد کرده و ظهور آن را حجت دانسته که مطلوب را (حلیت) بدان اثبات نموده است. بدیهی است که تمام کتاب همانند بخش نقل شده فوق است و شیوه این عالم بزرگ در تمام فصول رساله همین است.

البته در فصل پنجم که فواید خوردنی‌ها را مطرح نموده، طریق استدلال و استنباط حکم پیش نگرفته، بلکه تنها به نقل احادیث و آیات بسنده کرده است. به عنوان نمونه در بیان فایده عسل چنین گوید: «و روایت شده به سندی حسن کالصحیح از هشام بن سالم که حضرت ابوعبدالله فرمود که خوش می‌آمد رسول الله (ص) از عسل. و روایت شده از حضرت ابی الحسن (ع) که شفا نمی‌جوید بیمار به چیزی مثل عسل. و روایت شده از حضرت ابی عبدالله (ع) که شفا نمی‌جویند مردم به چیزی مثل عسل... خدای عزوجل فرمود: «یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس» یعنی بیرون از شکمهای آن مگسها - زنبوران - شرابی یعنی عسل، که رنگهای آن مختلف است که در آن هست شفائی برای مردم».

در خاتمه کتاب که درباره ظروف سخن رانده، نیز مطالب فقهی را به شیوه استدلالی بیان نموده است. نمونه از این بخش که در بیان حکم ظروف طلائی یا نقره‌ای برآمده، چنین فرموده است: «پس بدان که حرامست خوردن و آشامیدن در ظرف طلا و ظرف نقره به اتفاق فرقه ناجیه؛ و شیخ ابوجعفر طوسی در کتاب خلاف گفته که مکروه است استعمال اوانی طلا و نقره، اما ظاهر آنست که مرادش تحریم باشد...». در این عبارات نیز شیوه بیان چونان فصول اول کتاب به نظر می‌رسد. چه نخست نقل اتفاق و اجماع فرقه ناجیه را ذکر نمود که گویی ادعای نوعی اجماع کرده سپس نقل عمل اصحاب و فقهای پیشین را یادآور شد که شهرت و عمل اصحاب ضعف سند را جبران می‌کند. در معرفی این رساله به همین مقدار اکتفا می‌شود.

معرفی محتوایی رساله «آداب الصلاه».

۲- رساله «آداب الصلاه» (شرح حدیث حماد). این رساله از صفحه ۳۱۳ تا ۳۴۸ کتاب (حدود ۳۵ صفحه) قرار گرفته است. مؤلف، در این رساله نیز طبق عرف و عادت زمان، نخست سخن خود را با حمد و ثنای یزدان و مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص) و خاندان آن حضرت آغاز نموده

است. آنگاه، به انگیزه خود در انجام این کار اشارت کرده و فرموده است: به خاطر این بنده، رضی بن حسین خوانساری رسید که حدیث حماد را شرح کنم. این حدیث شریف که از طریق حماد بن عیسی نقل شده که مشتمل بر اکثر آداب نماز تام الارکان است. مؤلف بعد از این مقدمات می گوید: «پیش از ذکر حدیث و شرح و تفسیر آن لازم است از سند آن بحث کنیم آنگاه به شرح و تفسیر بپردازیم. این حدیث به دو سند نقل گردیده: یکی صحیح یعنی همه روای آن شیعه امامی مذهب عادلند، دیگری حسن کالصحیح یعنی به عدالت برخی روای تصریح نشده، اما همه صحیح المذهب و ممدوحند. بنابر هر دو روایت، حدیث عالی الاسناد است. یعنی واسطه نقل آن از امام اندکست. چه شیخ کلینی با سه واسطه آن را از امام صادق (ع) نقل کرده و شیخ صدوق با چهار واسطه این حدیث را از آن حضرت نقل نموده است.» مؤلف بعد از بیان این مطلب، به مدح و ستایش علمای شیعه بخصوص شیخ کلینی و شیخ صدوق، پرداخته و گفته: «این بزرگان ثقه هستند که تاقین به صدور حدیث از معصوم برایشان حاصل نمی شد، آن را نقل نمی کردند.» سپس به سخن شیخ صدوق در خطبه من لایحضره الفقیه اشارت کرده که وی در آن جا چنین گفته است: «روایاتی که من در این کتاب ایراد می کنم اعتماد بر آنها دارم و حکم به صحت آنها می کنم و طبق متن آنها فتوا می دهم و اعتقاد دارم که حجت است میانه من و پروردگارم...» فی الجمله، بعد از بیان این مقدمات، نخست به مدح ابومحمد حماد بن عیسی جهنی پرداخته و گفته که وی زمان چهار امام را درک کرده و مورد توجه خاص حضرت امام صادق و امام کاظم (ع) بوده است و احادیث را خوب ضبط می کرده.

آنگاه، مؤلف این حدیث شریف را از آغاز تا پایان نقل و شرح نموده است. اینک نمونه ای از حدیث و شرح آن را ذیلاً می آوریم: «قال: قال لی ابو عبدالله (ع) یوما: یا حماد تحسن ان تصلی؟ قال: فقلت یا سیدی، انا احفظ کتاب حریف فی الصلاه. فقال: لا علیک یا حماد قم فصل. حماد گفت که روزی حضرت صادق (ع) به من فرمود: ای حماد! آیا خوب می توانی نماز بگزاری؟ گفتم ای سرور من کتاب حریف را - که در بیان نماز است - در یاد دارم. پس فرمود: نیست بر تو قصوری و ننگی بر خیز و نماز بگزار. احتمال دارد که معنی این باشد که نیست بر تو عمل کردن به کتاب حریف هرگاه که دست تو به من رسد، بلکه باید که اخذ آداب نماز از من نمایی و بدان عمل کنی...».

۳- رساله «شرح حدیث بیضه» این حدیث شریف از صفحه ۳۴۹ تا ۳۷۸ این مجموعه قرار گرفته است. محتوای حدیث مساله کلامی است که قدرت مطلقه خداوند را اثبات می کند. یکی از معاندین از هشام بن حکم پرسید که آیا خدای تو می تواند جهان را داخل تخم کند بدون آنکه تخم بزرگ شود یا جهان کوچک گردد؟ بدین جهت این حدیث به این نام شهرت یافت. مؤلف در این رساله نیز نخست به حمد و ثنای خدای یکتا و ستایش و مدح حضرت محمد مصطفی (ص) و اهل بیت عصمت، زبان گشوده است.

براعت استهلال را در خطبه رساله مراعات نموده و جمله هایی که مناسب حدیث است بکار برده است. آنگاه به معرفی راوی حدیث یعنی جناب شیخ محمد بن یعقوب کلینی و کتاب کافی پرداخته است. چه این حدیث در کتاب کافی آمده است. مؤلف در معرفی کلینی چنین گوید: «پوشیده نماند که شیخ جلیل ثقه الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی از قدمای مشایخ کبار امامیه و راس رئیس محدثین اخبار این فرقه ناجیه است... مدت بیست سال به تالیف کتاب شریف کافی اشتغال داشته است. جناب شیخ در زمان غیبت صغری صاحب الزمان (عج) بوده و ادراک خدمت سفراء و کلاهی عظام کرام آن حضرت نموده است.»

بعد از معرفی کلینی، به بیان مدت غیبت صغری و نواب اربعه حضرت مهدی (عج) پرداخته آنگاه، شرح و تفسیر حدیث را آغاز کرده است که خلاصه اش به شرح زیر است: «کلینی در باب توحید کتاب شریف کافی با سند معتبر نقل کرده که روزی عبدالله دیصانی - که از ملاحده بود - از هشام بن حکم پرسید: آیا ترا پروردگاری هست؟ هشام پاسخ داد آری! عبدالله پرسید: آیا او قادر است؟ هشام گفت: بلی، او قدرت مطلقه دارد. فقال عبدالله: یقدر ان یدخل الدنیا کلها البیضه و لا تکبر البیضه و لا تصغر الدنیا؟ قال هشام: النظره. فقال له: انظر تک حولاً. یعنی عبدالله گفت: آیا پروردگارت قادر است که همه دنیا را داخل تخمی کند بدون آن که نه تخم بزرگ شود نه دنیا کوچک گردد؟ هشام گفت: مهلت می خواهم تا جواب آماده سازم. عبدالله به هشام گفت: یک سال تمام مهلت داری. بعد از آن جلسه، هشام به سرعت خود را خدمت امام صادق (ع) رسانید و جریان را به آن حضرت گزارش کرد و از وی کمک خواست. امام از هشام پرسید: ای هشام عدد حواس تو چند است؟ هشام عرض کرد: حواس پنجگانه دارم، یعنی: لامسه، ذائقه، شامه، سامعه و باصره. امام فرمود: کدام یک از همه کوچکتر است؟ هشام عرض کرد: حس بینایی - مردمک چشم. امام فرمود: مقدار آن چه اندازه است؟ جواب داد: به قدر یک دانه عدسی یا کمتر. آنگاه امام فرمود: به پیش رو و بالای سرت بنگر آنگاه مرا از آنچه می بینی خبر ده. هشام گفت: آسمان، زمین، خانه ها، قصرها، صحراها، کوهها، و نهرها، می بینم. آنگاه امام فرمود: آنکه قادر است آنچه را می بینی در چیزی به مقدار عدسه یا کمتر از آن قرار دهد و داخل آن کند. همو قادر است که دنیا را در تخمی قرار دهد بدون آن که دنیا کوچک شود یا تخم بزرگ گردد». مؤلف، بعد از نقل حدیث می گوید: «امام با این تمثیل قدرت خدا را نشان داد و بیان فرمود که خداوند هر لحظه حقیقت آسمان و زمین در عدسه چشم که کوچکتر از تخم است، قرار می دهد و در آن می گنجاند. این جواب بسیار دقیق است. چون ماهیت و حقیقت اشیاء از طریق چشم به ذهن در می آید و سبب کشف حقیقی حقایق خارجی می گردد. این مساله در بحث وجود ذهنی اثبات شده است. مؤلف دانشمند شرح و توضیح فراوانی در این باب آورده و نقل کرده که عبدالله دیصانی دهری بعد از اخذ پاسخ

علمی، خدمت امام رسید و با وی بحثها کرد و سرانجام عقلش خاضع شد و ایمان آورد و شهادتین ادا نمود.

۴- رساله «نیت صادق» این رساله از صفحه ۳۷۹ تا آخر کتاب ادامه دارد - حدود ۳۶ صفحه. که شامل دو مطلب و یک خاتمه است. مطلب اول در تحقیق نیت است که در آن شش بحث آمده است. مطلب ثانی دارای یک بحث است.

در خاتمه رساله پنج نیت را بر شمرده است. مؤلف بزرگوار، در این رساله نیز سخن خود را با حمد و ثنای خداوند و مدح ستایش پیامبر و خاندانش، آغاز نموده است. سپس به انگیزه خود در نوشتن رساله اشارت نموده که به درخواست شاه سلطان حسین صفوی این رساله به رشته تحریر در آمده است. آنگاه متن رساله با مطلب اول آغاز گردیده که خلاصه عنوانهای آن به شرح زیر است: مطلب اول، در تحقیق نیت و بیان احکام آن و در این چند بحث است: در بیان معنی نیت. در تفسیر قرابت. در ذکر بعضی از اخبار در باب نیت، ذکر چیزهایی باصحت نیت منافات دارد، ذکر وقت نیت، و جوب استدامت حکم نیت. و اما مطلب ثانی که شامل بحث طهارات سه گانه - وضو، غسل و تیمم است. در این بحث مؤلف از وجوب نفسی و یاغیری آنها سخن به میان آورده و گفته است: «اما حکم مساله در وضو و تیمم ظاهر در وجوب لغیره است و معظم اصحاب ما بدان رفته اند لیکن در غسل جنابت قول به وجوب نفسی خالی از قوت نیست». خاتمه رساله، در ذکر نیت است به نحوی که مطابق احتیاط و خالی از دغدغه باشد؛ مؤلف، پنج نیت با شقوق مختلف آن را ذکر می کند که به قرار زیر است: ۱- نیت وضو ۲- نیت غسل جنابت ۳- نیت تیمم ۴- نیت نماز ۵- نیت روزه.

